

سیره اجتماعی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

زهرا جعفری^۱

چکیده:

حضرت زهرا (سلام الله علیها) به عنوان دخت گرامی پیامبر اسلام و همسر امیرالمومنین علی (علیه السلام) جایگاه ویژه ای در جامعه اسلامی داشته و رفتار و گفتار ایشان از آن جهت که متصل به بیت وحی بوده بسیار مورد توجه مردم بوده است، ایشان به پیروی از پدر بزرگوارشان زندگی فقیرانه ای داشته و بسیار ساده زیست، بخشنده و قانع بوده و در همان شرایط تنگدستی هم به انفاق می پرداخته، در مراجعات مردم مانند معلمی مهربان به پرسش ها پاسخ می داده و در فعالیت های اجتماعی با رعایت حجاب کامل شرکت داشته و همواره به فکر شیعیان خود بوده است. با بررسی پیشینه و پی بردن به اهمیت آن ما برآن شدیم که در این پژوهش به بررسی سیره اجتماعی حضرت در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پردازیم و مخاطب را هرچه بیشتر با سیره ایشان آشنا کنیم و روش تحقیق در این مقاله بصورت مطالعه کتابخانه ای بوده است.

کلید واژه ها: حضرت زهرا (سلام الله علیها)، سیره اجتماعی، حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، قناعت، انفاق، بخشش

مقدمه:

دین مبین اسلام به ویژه مکتب تشیع که همواره به معرفی راههای گوناگون برای رسیدن به زندگی سعادت‌مند تلاش کرده است توانسته انسانهای شاخصی را که همان اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هستند را به عنوان الگوهای کامل به همگان معرفی کند یکی از این الگوها حضرت زهرا (سلام الله علیها) هستند، با توجه به شرایط کنونی که جهان غرب در ارائه الگوی مناسب به دنیا دچار پوچی شده و از آنجاییکه استکبار جهانی تمام تلاش خود را برای از بین بردن نهاد خانواده و کم رنگ کردن جایگاه زن در جامعه به ویژه در کشورهای مسلمان به کار گرفته است در چنین شرایطی آشنایی با سبک زندگی و سیره حضرت زهرا (سلام الله علیها) به ما کمک می کند تا از این الگوی گرانبه‌ای غافل نشویم از آنجا که زندگی حضرت مانند دیگر انسانها به ادوار مختلف تقسیم می شود و سبک زندگی ایشان از جهت الگوگیری در ادوار مختلف متفاوت بوده و به این دلیل که بیشتر فعالیت های ایشان پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مورد توجه قرار گرفته با مطالعه کتابهای گوناگون در این زمینه و بررسی پیشینه ما بر آن شدیم که در این مقاله به سیره اجتماعی ایشان در **زمان حیات** پیامبر پردازیم که در این راه توانستیم با بهره گیری از منابع موجود و **مطالعه کتابخانه ای** و با استفاده از منابع سایر محققان و با استفاده از آیات و روایات به این مهم دست پیدا کنیم. و به دنبال پاسخ به سوالات ذیل باشیم.

۱- سیره اجتماعی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در زمان حیات پیامبر چه بوده است؟

۲- آیا ایشان در مسائل سیاسی مشارکت داشته اند؟

۳- علم حضرت زهرا (سلام الله علیها) چگونه بوده است؟

۴- رفتار ایشان در زندگی مشترک با امیر المومنین (ع) چگونه بوده است؟

۵- واکنش ایشان درباره غصب فدک چه بوده است؟

این مقاله شامل عناوین ذیل میباشد.

(علم، ارادت، به صفت قناعت، انفاق، بخشندگی، رعایت حال خدمتگزار، پشتیبانی در جنگ و حجاب حضرت زهرا (سلام الله علیها)).

حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) دو ساله بود که وارد شعب ابی طالب شد، شعب ابی طالب دره ای بود که پیامبر و یارانش به همراه بنی هاشم مجبور شدند به آنجا بروند و به مدت سه سال در آنجا پناهنده شوند، این دوران بسیار سخت تر از زندان بود در روزهای گرم سال از شدت گرما آتش بر سرشان می ریخت و در روزهای سرد سال از سوز سرما به خود می لرزیدند و لباس گرم و مناسبی در اختیار نداشتند، از جهت آذوقه بسیار در سختی و مضیقه بودند. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) سه سال از بهترین روزهای زندگی خود را در چنین شرایط دشواری سپری کرد در سال دهم تازه از زندان شعب خارج شده بودند که ابتدا ابوطالب و به فاصله کوتاهی خدیجه (سلام الله علیها) از دنیا رفتند و فاطمه (سلام الله علیها) در پنج سالگی طعم تلخ بی مادری را چشید، پس از رحلت آن دو بزرگوار فشارها و سختی ها شدت یافت و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بیشتر مورد اذیت و آزار قرار می گرفت روزی مردی از قریش بر سر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خاک ریخت حضرت با سر و لباس خاک آلود وارد خانه شد فاطمه شش ساله برخاست و خاک را از سر و صورت و لباس پدر پاک کرد و در این حال گریه می کرد پیامبر او را دلداری می داد و به او می فرمود: دخترم گریه نکن! خداوند پشتیبان پدر توست. گاهی حضرت زهرا (سلام الله علیها) از خانه خارج می شد اما با حوادثی روبرو می شد که بسیار باعث ناراحتی و اندوه ایشان می شد یک روز وارد مسجد شد و دید که مشرکان در مسجد الحرام نشسته اند و نقشه قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را می کشند با چشمان اشکبار به خانه برگشت و این خبر را به اطلاع پدر رساند. گویا خداوند چنین مقدر کرده بود که این سختی ها در حقیقت سکوی کمال این انسان های الهی باشد.

ازدواج با حضرت علی (علیه السلام):

زمانی که حضرت زهرا (سلام الله علیها) به سن ازدواج رسید خواستگاران زیادی داشت و هربار که واسطه ای برای پیامبر می فرستادند پیامبر می فرمود: (مسئله ازدواج فاطمه دست خداست) تا اینکه حضرت علی (علیه السلام) به خواستگاری ایشان آمد مسلم است که اگر امیر المومنین (علیه السلام) خلق نشده بود کفوی برای فاطمه (سلام الله علیها) وجود نداشت چنانکه در روایت آمده است که اگر خداوند امیر المومنین علی (علیه السلام) را نیافریده بود فاطمه (سلام الله علیها) همتایی برای همسری در تمام روی زمین نداشت. با اینکه ایشان خواستگاران زیادی داشت

اما به خاطر اینکه نسل پاکی داشته باشند معیار انتخاب همسر را ارزش های معنوی و اخلاقی دانست و با حضرت علی (علیه السلام) ازدواج کرد.

وقتی شب عروسی این دو بزرگوار فرارسید حضرت علی (علیه السلام) می خواست برای به راه انداختن بساط عروسی شتر آبکش را بفروشد اما رسول خدا اجازه نداد و فرمود شتر برای امرار معاش لازم می شود به جای آن زره را بفروش زیرا تو در جنگ ها به زره نیازی نداری حضرت علی (علیه السلام) زره را به قیمت چهار صد درهم فروخت و با آن مقداری جهیزیه و پیراهنی برای عروس خرید وقتی چشم مبارک رسول خدا به آن جهیزیه اندک و اثاثیه فقیرانه افتاد اشک های مبارکش بر چهره جاری شد و دست ها را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: (خدا یا ترحم کن بر قومی که اثاثیه اندک زندگیشان همگی از گل است).

حضرت زهرا (سلام الله علیها) بی هیچ زیوری در پیراهن و چادری فقیرانه روانه خانه مولا شد، دو پوست گوسفند زیر اندازشان و یک رو انداز پشمی محافظشان از سرما بود، بالش آنان از لیف خرما بود و دیگ و کاسه و بشقابشان همه سفالی و مشکی برای آب داشتند و یک ملاقه چوبی برای هم زدن غذا اگر به ندرت غذایی داشتند و هرگاه آتشی در اجاق روشن می شد فقط برای پختن نان بود و هرگاه آسیای دستی به کار می افتاد فقط برای آرد کردن جو بود.

راویان پرهیزگار روایت کرده اند که بعد از اینکه حضرت علی (علیه السلام) از حضرت زهرا (سلام الله علیها) خواستگاری کرد رسول مکرّم فرمود: شمشیرت را برای جهاد لازم داری و شترت هم برای حمل و نقل و امرار معاش لازم است اما به زره نیازی نداری من به هر اندازه که زره را بفروشی برای ازدواج تو با فاطمه به آن راضی ام، برخیز و زره را بفروش و شادمان باش زیرا پیش از آنکه من زهرا را برای تو در نظر بگیرم خدای بزرگ عقد شما را در آسمان بسته است قبل از آنکه تو بیایی جبرئیل بر من نازل شد در حالی که نامه ای در دست داشت و من پرسیدم این نامه چیست؟ جبرئیل گفت: پروردگار به همه فرشتگان امر فرمود تا در آسمان چهارم در بیت المعمور حضور یابند و به خازن بهشت فرمود تا منبر کرامت را در بیت المعمور نصب کند این همان منبری است که در روزی که آدم (علیه السلام) بر فرشتگان علوم خویش را آشکار نمود بر فراز آن ایستاد و سخنرانی کرد. وقتی منبر نصب شد، خداوند سبحان به راحیل که خطیب ملائک است فرمود تا بر آن بایستد و از سوی خداوند رحمان زهرا را به عقد علی در آورد.

در مجلس عقد حضرت زهرا (سلام الله علیها) سه خطبه خوانده شد یک خطبه را خود خداوند خواند، خطبه دوم را پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و خطبه سوم را امیر المومنین علی (علیه السلام) در تاریخ چنین خطبه ای و مجلس عقدی دیده نشده است.

بخشیدن پیراهن در شب عروسی :

علامه صفوری از علمای اهل سنت، در کتاب خود از ابن جوزی نقل کرده است: «رسول گرامی اسلام، پیراهن نو برای شب عروسی و زفاف دختر خود فاطمه خریداری کرد و پیش از آن فاطمه پیراهن وصله دار به تن می کرد. در همان شب حضرت زهرا صدای ناله سائلی را بر در خانه شنید که از برهنگی خود شکایت داشت و پیراهنی از خاندان رسالت در خواست می کرد، هنگامی که حضرت فاطمه صدای او را شنید بلافاصله پیراهن شب زفاف که بهترین پیراهن او بود را به فقیر داد». خداوند می فرماید (لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون) (۱)

(شما به مقام ابرار نمی رسید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید) و حضرت زهرا در بهترین شب زندگی بهترین پیراهن خود را انفاق کرد .

در ادامه حدیث بخشیدن پیراهن شب عروسی آمده است که: «وقتی هنگام شب زفاف شد، جبرئیل پیراهنی از سندس سبز بهستی برای فاطمه آورد که نورش چشمها را خیره می کرد». آنکس که اینطور در راه خدا گذشت کند خدا اینطور پاداشش را می دهد .

تحمل فقر علی علیه السلام :

فاطمه (سلام الله علیها) از بین خواستگاران علی (علیه السلام) را برگزید که در تقوا و شجاعت و انسانیت و اخلاق کم نظیر ولی در فقر و ناداری سختی بود، میزان فقر علی (علیه السلام) به حدی بود که خانه در اغلب موارد خالی از آذوقه بود و فاطمه (سلام الله علیها) آن را تحمل می کرد ولی این تحمل دشوار بود مخصوصا از آن بابت که هر مادری نگران وضع کودکان خردسال خویش است در عین حال برای رضای خدا آن را می پذیرد و مختصر غذای خود و خانواده را هم در راه خدا به فقیران ایثار می کند. گاهی در خانه به خاطر شرایط سخت اقتصادی که در جامعه مسلمانان حاکم بود آنها غذایی نداشتند و اغلب گرسنه بودند اما حضرت زهرا (سلام الله علیها) چیزی به حضرت علی (علیه السلام) نمی گفت و از او در خواستی نمی کرد حتی به پیامبر خدا هم در این باره چیزی نمی گفت زیرا می ترسید که از همسرش چیزی بخواهد و او نتواند آن را تامین کند و شرمنده آنها شود، حضرت زهرا (سلام الله

علیها) تا این حد مراعات وضعیت حضرت علی (علیه السلام) را می کرد و این کار تنها از این بانوی بزرگوار که هم کفو همسرش بود بر می آمد.

۱- آل عمران آیه ۹۲

علم حضرت زهرا (سلام الله علیها):

از همان شروع زندگی مشترک این زوج بزرگوار صحبت از خوراک، پوشاک و این قبیل مطالب مطرح نبود. بلکه صحبت‌های ایشان بیشتر حول محور علم و عبادت و معنویت بود. هرگاه حضرت علی (علیه السلام) وارد منزل می شد آنچه را از پیامبر شنیده بود و همچنین مسائل سیاسی و نظامی را به حضرت زهرا (سلام الله علیها) میگفت. بعضی اوقات خصوصیات فوق العاده ای از حضرت زهرا (سلام الله علیها) مشاهده می شد که برای امیر المومنین (علیه السلام) هم موجب شگفتی بود.

که عماردر این خصوص می گوید: روزی علی بن ابی طالب علیه اسلام وارد منزل شده فاطمه سلام الله علیها فرمود: یا علی نزدیک بیا تا از حوادث گذشته و آینده برایت سخت بگویم، امیر المومنین علیه اسلام که از سخن فاطمه (سلام الله علیها) در شگفتی بود خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سلم شرفیاب شد و سلام کرد و نزدیک آن جناب نشست. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا علی آغاز به سخن می کنی یا من بگویم؟ حضرت علی علیه السلام عرض کرد: دوست دارم از سخنان شما استفاده کنم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گویا فاطمه سلام الله علیها به شما این چنین و آن چنان گفت و به همین جهت نزد من آمدی حضرت علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله مگر نور فاطمه سلام الله علیها هم از سنخ نور ماست؟ پیامبر فرمود مگر نمی دانستی؟ امیر المومنین علیه السلام از شنیدن این سخن به سجده شکر افتاد و خدای را سپاس گفت. پس به نزد فاطمه سلام الله علیها مراجعت کرد حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمود: یا علی گویا نزد پدرم رفتی و این چنین و آن چنان به تو فرمود؟ حضرت فرمود آری ای دختر پیامبر. فاطمه سلام الله علیها فرمود: یا ابالحسن خداوند نور مرا آفرید و خدای را تسبیح می گفت آنگاه او را در یکی از درختان بهشتی به ودیعه نهاد، آنگاه که پدرم داخل بهشت شد از جانب خدا ماموریت یافت که از میوه های آن درخت تناول کند پدرم از میوه های آن درخت خورد و بدین وسیله نور من به صلب او منتقل گشت و از صلب پدر به رحم مادر وارد شدم. یا علی من از آن نور هستم و حوادث گذشته و آینده را به وسیله آن نور می یابم یا ابالحسن مومن به وسیله نور خدا می بیند.

همچنین امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: دو نفر زن که یکی مومن و دیگری معاند بود در یک مطلب دینی با هم تنازع داشتند. برای حل اختلاف خدمت حضرت فاطمه سلام الله علیها مشرف شدند و جریان را تعریف کردند، چون حق با زن مومن بود حضرت فاطمه گفتارش را با دلیل و برهان تایید کرد و بدین وسیله بر زن معاند پیروز گشت و از این پیروزی شادمان شد. حضرت فاطمه سلام الله علیها به زن مومن فرمود: فرشتگان خدا بیشتر از تو شادمان گشته و غم و اندوه شیطان و پیروانش نیز بیشتر از غم و اندوه زن معاند می باشد.

آنگاه امام حسن علیه السلام فرمود: و بدین جهت خداوند به فرشتگانش فرمود: در عوض خدمتی که فاطمه سلام الله علیها به این زن مومن کرد بهشت و نعمت های بهشتی اش را هزار هزار برابر آنچه قبلا مقرر بود بدارید و همین روش و سنت را درباره هر دانشمندی که با علم و دانش خویش مومنی را تقویت کند تا بر معاندی پیروز گردد معمول دارید و ثوابش را هزار هزار برابر مقرر دارید. (۱)

فاطمه (سلام الله علیها) معلمی مهربان:

براساس روایاتی که از حضرت زهرا (سلام الله علیها) به دست آمده مشخص می شود که ایشان برای زن هایی که برای علم آموزی به نزد ایشان می آمدند اولین آموزگار بود حضرت زهرا (سلام الله علیها) از علم خود آنها را بهره مند می کرد و به آنها کمک می کرد تا با فرهنگ عصر خودشان آشنا شوند و آنها را به یادگیری علم و معرفت تشویق می کرد ایشان در برخورد با مردم و افرادی که برای پرسش و پاسخ به محضر ایشان میرسیدند بسیار مهربان و با گذشت بود و وقت و حوصله بسیاری برای این کار اختصاص میداد روزی زنی خدمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) رسید و گفت مادرم مرا نزد شما فرستاده تا پرسش های دینی وی را در نزد شما مطرح کنم و پاسخ صحیح آنها را به نزد او ببرم.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) با مهربانی و خوشرویی فرمود: بپرس! آن زن یک به یک سوالات را می پرسید و پاسخ دریافت می کرد تا اینکه به ده پرسش و پاسخ رسید او از کثرت سوالات خجالت کشید و دیگر نپرسید و با کمال شرمندگی گفت: ای دختر رسول خدا دیگر به شما زحمت نمی دهم. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) با کمال خوشرویی فرمود: هر سوالی داری، بپرس و خجالت نکش! اگر شخصی اجیر شود که بار سنگینی را در یک روز از زمین به بالای پشت بام ببرد و در مقابل صد هزار دینار طلا بگیرد، آیا چنین شخصی از کار خود خسته می شود! آن بانوی پرسشگر گفت: نه، حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود: مثل من نیز همانند آن شخص اجیر است؛ من در نزد خداوند اجیر شده ام که در مقابل هر سوالی که به تو پاسخ می دهم، مزد ارزشمندی را بگیرم. مزد من بیشتر از

مروارید هایی است که فاصله زمین و آسمان را پر می کند، آیا با این مزد بسیار و ارزشمند من از پاسخ خسته می شوم!
! پس من شایسته ترم تا در برابر پاسخ به پرسش های تو احساس رنج و زحمت نکنم. از پدرم شنیدم که فرمود.

(۱- بحار الانوار، ج ۲ صفحه ۸)

(دانشمندی که پیرو مکتب ما هستند، هنگامی که در روز قیامت محشور می شوند، نسبت به زیادی علوم و معارفی که کسب کرده اند و به اندازه کوشش ها و تلاش هایی که در راه هدایت و ارشاد بندگان خدا به کار برده اند، بر ایشان لباس های کرامت و پوشش های آسمانی پوشانیده می شود؛ به طوری که وجود هر یک از آنان به وسیله یک میلیون لایه و پوشش نورانی آراسته می شود).

آن گاه از جانب خدای متعال در میان اهل محشر ندا داده می شود: ای گروهی که سرپرستی یتیمان آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را پذیرفته اید (یتیمانی که پدران روحانی و رهبران دینی خود را از دست داده اند و سایه پیشوایان معصوم (علیه السلام) از بالای سرشان کوتاه شده است) اینان شاگردان شما در دنیا و همان یتیمانی هستند که شما تکفل کرده اید و وجود آنان را با دانش آراسته اید و آنان نیز به نوبه خود، شاگردان دیگری را پرورش داده و لباس علم به اندامشان پوشانده اند. آنگاه خداوند دستور می دهد که بر پاداش چنین دانشمندی بیفزاید و در حد کمال به آنان تکریم کنند. (۱)

آراستگی به صفت قناعت:

یکی از صفت هایی که باعث می شود آرامش و سازگاری بین اعضای خانواده به وجود آید و فقدان آن باعث بروز مشکلات بسیاری در زندگی خانوادگی و اجتماعی می شود صفت قناعت است، آراستگی به این صفت در سیره حضرت زهرا (سلام الله علیها) به خوبی دیده می شود در زندگی ایشان نمونه های فراوانی از ساده زیستی و صبر و تحمل و کنار آمدن با مشکلات دیده می شود ایشان در سخنی به همسر بزرگوارش می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) مرا نهی کرد از اینکه از تو چیزی بخواهم و فرمود: هرگز از پسرعمویت چیزی نخواه، اگر چیزی برایت آورد که هیچ و گرنه از او درخواست مکن.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) روزی در خدمت پدر از مشکلات زندگی و کمبودهای رفاهی سخن به میان آورد فرمود: ای ریول خدا من و پسر عمویم چیزی از وسایل رفاهی نداریم مگر پوست گوسفندی که شب ها بر روی آن

می خوابیم و روزها شتر خود را بر روی آن علف می دهیم رسول گرامی اسلام فرمود: دخترم صبر و تحمل داشته باش زیرا موسی بن عمران ده سال با همسرش زندگی کرد و فرشی جز یک عبای قطوانی نداشتند. (۲)

همچنین در روایات آمده است که روزی امیرالمومنین علی (علیه السلام) به خانه آمد و پرسید: آیا در خانه چیزی

۱- (به نقل از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۲۳۴۰)

۲- به نقل از نهج الحیاة حدیث ۱۸۴

برای خوردن پیدا می شود؟ حضرت زهرا (سلام الله علیها) به حق خدایی که اطاعت تو را واجب کرده سه روز است که در خانه غذایی نیست حضرت علی (علیه السلام) فرمود: پس چرا به من نگفتید تا نانی چیزی تهیه کنم حضرت زهرا فرمود: پدرم رسول خدا به من سفارش کرد از پسر عمویت چیزی نخواه اگر خودش آورد بگیر و اگر نیامد حرفی نزن. (۱)

وضع زندگی حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از نظر خوراک و پوشاک در وضعیتی قرار گرفته بود که دل مسلمانان به درد آمده بود در یکی از روزها که اصحاب اطراف پیغمبر را گرفته بودند حالت وحی به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) دست داد پس از بیان وحی پیغمبر به صدای بلند و با شدت شروع به گریه کرد حضار همگی به گریه افتادند اما هیچ کدام علت گریه پیغمبر را نمی دانستند عده ای از اصحاب به درب منزل فاطمه (سلام الله علیها) رفتند و جریان گریه پیغمبر را به عرض ایشان رساندند حضرت زهرا (سلام الله علیها) چادر مندرس خود را که (دوازده وصله از لیف خرما) بر آن بود به خود پیچید و از منزل بیرون آمد وقتی چشم سلمان به وصله های چادر فاطمه (سلام الله علیها) افتاد ناله اش بلند شد فریاد زد: (ای وای دختر کسری و قیصر - امپراتوران ایران و روم - جامه حریر و سندس در بر دارند ولی دختر گرامی پیغمبر اسلام باید در چادر وصله دار خود را بپوشاند).

فاطمه (سلام الله علیها) یک نگاهی به قیافه سلمان انداخت که محاسن سفیدش از اشک چشمش تر شده بود ولی چیزی نگفت، حضرت خدمت پیغمبر آمد و سلام کرد پیغمبر به مجرد اینکه چشمش به حضرت زهرا افتاد ابروان در همش گشوده شد و با تبسم مهر انگیزی جواب سلام ایشان را داد. حضرت زهرا ابتدا علت گریه پدر را پرسید پیغمبر فرمود: دخترم الان جبرئیل بر من نازل شد و این آیه را آورد (و إن جهنم لموعدهم أجمعین لها سبعة أبواب لكل باب منهم جز مقسوم) (وعده گاه همگان دوزخ است آن دوزخی که هفت درب دارد و برای هر دری عده تقسیم شده ای است) (۲)

فاطمه (سلام الله علیها) با شنیدن این آیه شیونی زد و خود را روی خاک انداخت و فریاد زد: (وای وای بر کسی که داخل آتش شود)

سپس عرضه داشت: (پدر سلمان از لباس مندرس و پاره من تعجب کرد و به گریه افتاد، سوگند به آن خدایی که تو را به حق برانگیخته مدت پنج سال است که در زندگی من و شوهرم علی (علیه السلام) فقط پوست گوسفندی است

۱- به نقل از بحار الانوار ج ۱۴ ص ۱۹۷

۲- حجر آیه ۴۴

که روزها روی آن برای شترمان علف می ریزیم و شبها بر روی آن می خوابیم، متکای ما چرمی است که داخل آن، علف و پوست تنه درخت خرما جای داده ایم این است زندگی من). پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالی که از داشتن چنین دختر آسمانی که در عین قدرت و ثروت با این کیفیت به سر می برد رو به سلمان کرده و فرمود: (ای سلمان دختر من در زمره پیشروان مسیر سعادت و مدارج آخرت است).

حجاب حضرت زهرا (سلام الله علیها):

حضرت زهرا (سلام الله علیها) به حجاب اهتمام ویژه ای داشتند و حجاب را برای حفظ کرامت زن ضروری می دانستند، از نظر ایشان بهترین زنان، آنهایی هستند که خود را از نامحرم بپوشانند به طوری که نه نامحرمی آنها را ببیند و نه آنها نامحرمی را ببینند.

در روایت آمده حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) از پدرانش نقل فرموده است که امیر المومنین علی (علیه السلام) فرمود: روزی فرد نایبایی اجازه خواست که به منزل فاطمه (سلام الله علیها) وارد شود آن حضرت خود را از او پوشیده داشت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به ایشان فرمود: چرا خود را پوشیده داشتی درحالیکه او نایب است و تو را نمی بیند؟ عرض کرد: اگر او مرا نمی بیند من که او را می بینم و نیز رایحه و عطر را استشمام می کند و شامه اش سالم است (۱)، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی همچنین جابر بن عبدالله انصاری می گوید: روزی در ملازمت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به خانه فاطمه (سلام الله علیها) وارد شدیم، رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) به عادت همیشه دست های مبارک را روی چهار چوب دو طرف درب منزل گذاشت و فرمود: (السلام علیک یا اهل بیت) فاطمه (سلام الله علیها) از داخل منزل جواب سلام پیغمبر را داد پیغمبر فرمود: دخترم اجازه می فرمایی داخل منزل شوم؟ فاطمه (سلام الله علیها) با

کمال ادب عرض کرد: خانه به شما تعلق دارد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: شخص دیگری همراه من است او هم داخل شود؟ فاطمه (سلام الله علیها) عرض کرد: پدر از ورود مرد نامحرم به داخل منزل معذورم زیرا چادر و مقنعه ای که سر خود را پوشانم ندارم. پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: دامن پارچه ای را که به خود پیچیده ای به سرت بینداز، فاطمه (سلام الله علیها) فرمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را اجرا کرد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از جلو و من از عقب وارد منزل فاطمه (سلام الله علیها) شدیم.

۱- بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۹۱

انفاق حضرت زهرا (سلام الله علیها):

در بحار الانوار است که پیرمردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد یا رسول الله گرسنه ام، برهنه ام به فریاد من برس پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چیزی در دست نیست لکن تو را دلالت می کنم به جایی که کار تو اصلاح شود حضرت به ابوذر فرمود او را به خانه زهرا (سلام الله علیها) ببر ابوذر او را به خانه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) راهنمایی کرد پیرمرد درد خود را خدمت دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اظهار کرد زهرا (سلام الله علیها) هیچ نداشت فقط پوست گوسفندی بود که شب ها زیر بدن حسن و حسین (علیه السلام) می انداخت همان پوست را به او داد و فرمود خدا به حال تو فرج خواهد کرد، سائل نگاهی به پوست کرده گفت: دختر پیامبر این پوست به حال من نفعی ندارد حضرت زهرا (سلام الله علیها) گردنبندی در گردن مبارکش بود که دختر عمویش، حمزه سید الشهداء به عنوان هدیه به او داده بود آن را به اعرابی داد، سائل آن را گرفته و به مسجد آورده عرض کرد کیست که این را از من بخرد و کار مرا اصلاح کند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به من می فروشی؟ عرض کرد حاضرم بفروشم به اینکه غذایی بخورم تا سیر شوم و یک مرکب و یک دینار پول و یک لباسی که پیوشم جناب مقداد فرمود: به آنچه که گفتمی از تو خریدم، آن وقت مقداد گردنبند را به غلامش داد و گفت ببر خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و من تو را به پیغمبر بخشیدم، غلام خدمت رسول خدا آمد و پیغمبر فرمود: برو گردنبند را به زهرا بده و تو را هم به زهرا بخشیدم، غلام گردنبند را تقدیم فاطمه (سلام الله علیها) کرد و ایشان هم او را آزاد کرد، زهرا (سلام الله علیها) فرمود: (چقدر گردنبند پر برکتی بود شکمی سیر، برهنه ای پوشیده، مرکبی به محتاجی رسیده و غلامی آزاد شد و دو مرتبه به جای اولش برگشت و خیر عظیمی به عده ای رسید.

گذشت از زینت ها :

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: اسماء بنت عمیس برایم نقل کرد که من نزد جدہ تو فاطمه (سلام الله علیها) بودم هنگامی که رسول خدا بر او وارد شد و او گردنبندی از طلا به گردن داشت که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از سهم خود از غنائم برای او خریده بود ، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود : (ای فاطمه شایسته است که از این زینت حلال پرهیز نمایی) تا مردم نگویند فاطمه دختر محمد لباس جباران را بر تن می کند فاطمه (سلام الله علیها) گردنبند را فروخت و با آن بنده ای را خریداری و آزاد ساخت و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از این کار شادمان شد .

امام باقر (علیه السلام) هم فرموده است رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چون می خواست به سفری برود با هر کس از اقوامش خدا حافظی می کرد و با آخرین فردی که خدا حافظی می کرد فاطمه (سلام الله علیها) بود و شروع سفرش از خانه او بود و چون باز می گشت ابتدا نزد فاطمه (سلام الله علیها) می رفت و دیدار اقوام را از او شروع می کرد . یکبار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به سفر رفت و علی (علیه السلام) نیز از غنائم جنگی چیزی به دست آورده و به فاطمه (سلام الله علیها) داده و رفته بود و فاطمه (سلام الله علیها) با آن دو انگوی نقره و پرده ای تهیه فرموده و پرده را جلوی در آویخت و چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بازگشت به مسجد داخل شد و سپس همانطور که عادتش بود به سوی خانه فاطمه (سلام الله علیها) آمد ، فاطمه (سلام الله علیها) شادمان برخاست و با شور و شوق به سوی پدرش شتافت اما پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چون انگوی نقره را در دست او و پرده را بر در خانه مشاهده کرد (پیش نیامد) و در جایی (کنار خانه) نشست که فاطمه (سلام الله علیها) را می دید فاطمه (سلام الله علیها) گریست و اندوهگین شد و گفت : (پیش از این با من اینگونه رفتار نمی فرمود) پس دو پسر خود امام حسن و امام حسین (علیه السلام) را فراخواند و پرده را از درب خانه کند و انگوها را از دست در آورد و انگوها را به یکی و پرده را به دیگری داده و به آنان فرمود : (نزد پدرم بروید و از من به او سلام رسانید و بگویید : ما پس از رفتن شما به سفر غیر از تهیه اینها کار دیگری نکرده ایم اینک هرطور که مایل هستید آنها را به مصرف برسانید) آن دو از طرف مادر این سخن را به عرض پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رساندند رسول خدا آن دو را بوسید و در آغوش کشید و هر یک را بر یک زانوی خود نشانند آنگاه فرمان داد آن دو انگو را شکسته و قطعه قطعه کردند و اهل صفه را فراخواند و آنان گروهی از مهاجرین بودند که نه خانه ای داشتند و نه مالی و تکه های انگو را میان آنان تقسیم فرمود و سپس پرده را که پارچه ای طولانی ولی کم عرض بود میان افرادی از آنان که برهنه بودند و پوششی

نداشتند تقسیم کرد(۱). آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: خداوند بر فاطمه رحمت آورد همانا خدای متعال به جهت این پرده از لباسهای بهشتی به او خواهد پوشاند و به جهت این انگوها از زینت های بهشتی به او اعطا خواهد کرد.

همچنین رسول خدا فرمود: وای بر کسی که در فضیلت های فاطمه شک کند، خدا لعنت کسی را که دشمن شوهرش علی بن ابی طالب باشد و به امامت دو فرزندش راضی نباشد، برای زهرا در قیامت مرتبه ای است و برای شیعیانش نیز جایگاهی پسندیده است، در قیامت فاطمه قبل از من دعا و شفاعت می کند و شفاعتش بر خلاف میل مخالفان قبول می شود.

۱- مکارم اخلاق ص ۹۴-۹۵

رعایت حال خدمتگزار در سیره حضرت فاطمه سلام الله علیها:

حضرت زهرا (سلام الله علیها) با اینکه دارای خدمتگزار خوب و دلسوزی چون فضه بود اما دوست نداشت که همه کارهای خانه را به عهده او بگذارد بلکه کارهای منزل را بین خود و فضه تقسیم کرده بود و یک روز ایشان به عبادت می پرداخت و فضه کارها را انجام می داد و یک روز فضه به استراحت می پرداخت و حضرت زهرا (سلام الله علیها) کارهای منزل را انجام می داد

سلمان فارسی می گوید: روزی وارد منزل فاطمه (سلام الله علیها) شدم مشاهده کردم فرزند دلبند ایشان حسین بن علی (علیه السلام) که در آن زمان شیر خواره بود از شدت گرسنگی در میان گهواره گریه می کرد و فاطمه (سلام الله علیها) هم با فعالیت زیاد مشغول دستاس کردن است و جو آرد می کند از زیر دست فاطمه (سلام الله علیها) بر روی عمود دستاس خون جاری شده بود و کنیز خدمتکارش بیکار در کنار حضرت نشسته بود، دیدن این منظره مرا متأثر کرد عرض کردم: ای دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) چرا دستور نمی فرمایی فضه جو را دستاس کند؟ حضرت فرمود: (برنامه خدمتگزاری منزل بین من و او تقسیم شده یک روز خدمت خانه به عهده اوست و من استراحت می کنم و یک روز خدمت خانه به عهده من است و او به استراحت مشغول می شود امروز نوبت کار منزل با من است و فضه باید استراحت کند سلمان می گوید: عرض کردم ای دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) من بنده آزاد کرده شمایم اجازه فرمایید من جو را آرد کنم و شما فرزند خود را ساکت فرمایید، فاطمه (سلام الله علیها) قبول فرمود و مشغول نگهداری فرزند شد من هم مقداری جو آرد کردم و سپس به مسجد رفتم).

مشارکت در پشتیبانی جنگ :

رمضان سال سوم هجرت از راه می رسد و ولادت امام حسن (علیه السلام) خاطره شیرین پیروزی های جنگ بدر را که در رمضان سال گذشته رخ داده بود شیرین تر می سازد، چندی نگذشت که جنگ احد آغاز شد در این جنگ حمزه عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سردار دلیر مسلمانان و ۷۴ تن نو مسلمان دیگر به شهادت رسیدند، ضایعه درگذشت ای بزرگواران چنان دلخراش است که خدای بزرگ ضمن آیاتی آنان را تسلیت می دهد (ان یمسسکم قرح فقد مس القوم قرح مثله و تلک الایام نداولها بین الناس) (۱)

(اگر جراحی به شما رسید به آنان هم مانند آن رسید روزگار چنین است آن را از دست این به دست آن می دهیم).
به حضرت زهرا (سلام الله علیها) خبر می دهند که پدر بزرگوارش در جنگ آسیب دیده است، سنگی به صورت

۱- ال عمران آیه ۱۴۰

ایشان اصابت کرده و چهره اش را خونین ساخته است حضرت زهرا با دسته ای از زنان بر می خیزند و آب و خوردنی بر پشت خود بر می دارند و به رزمگاه می روند، زنان مجروحان را آب می دهند و زخم های آنان را می بندند و فاطمه (سلام الله علیها) از دیدن چهره خونین پدر بسیار ناراحت می شود حضرت علی (علیه السلام) با بدن پر از زخم آب می آورد و حضرت زهرا جراحات پدرش را شستشو می دهد، خون بند نمی آید پاره بوریایی را می سوزاند و خاکستر آن را بر زخم قرار می دهد تا جریان خون قطع شود، پیغمبر در مصیبت عموی بزرگوارشان گریان می شود و حضرت زهرا هم با پیغمبر می گرید.

شیعیان در پناه حضرت زهرا (سلام الله علیها):

حضرت زهرا (سلام الله علیها) همیشه نسبت به مسلمانان الطاف ویژه ای داشتن و همیشه خیر خواه آنان بودن در یکی از موارد میتوان به لطف و عنایت ان بزرگوار نسبت به امت اسلام و به ویژه شیعیان علی علیه السلام اشاره کرد.

در هنگام ازدواج حضرت فاطمه (سلام الله علیها) وقتی مقدار مهریه معین شد و آن بزرگوار از مبلغ مورد نظر آگاهی یافت خطاب به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم عرض کرد: ای رسول خدا دختران مردم با درهم ها ازدواج می کنند پس چه فرقی بین من و آنها خواهد بود؟ تقاضا دارم مهریه مرا بازگردانی و از خداوند متعال بخواهی که مهریه مرا شفاعت گناهکاران امت تو قرار دهد، در آن لحظه حضرت جبرئیل نازل شد در حالی که در دستش پارچه ای لطیف

و ابریشمین قرار داشت و روی آن نوشته شده بود (جعل الله مهر فاطمه الزهراء شفاعه المذنبین من امه ابیها) خداوند متعال مهریه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) را شفاعت از گناهکاران امت پدرش قرار داد. (۱)

فدک، بخشش حضرت زهرا (سلام الله علیها) به فقرا:

بعد از فتح خیبر در سال هفتم هجرت و تقریباً ۴ سال قبل از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جبرئیل از طرف خداوند دستور فتح فدک را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آورد در این فرمان تصریح شده بود که این کار فقط باید توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمومنین (علیه السلام) انجام شود و مسلمانان نباید در آن شرکت کنند. بر اساس حکم صریح قرآن فدک ملک شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) به حساب می آمد، پس از فتح فدک آیه (و آت ذا القربی حقه) (حق خویشان را به آنان بده). پیامبر از جبرئیل سوال کرد منظور چه کسانی هستند و این حق کدام است؟ جبرئیل فرمود: (فدک را به فاطمه عطا کن)، پیامبر به حضرت زهرا فرمود: خداوند فدک را برای پدرت فتح کرد و چون لشکر اسلام آنجا را فتح نکرده اند. مخصوص من است و تعلقی

۱- به نقل از نهج الحیاء (فرهنگ سخنان حضرت زهرا (سلام الله علیها) دشتی ص ۲۴۰

به مسلمانان ندارد و هر تصمیمی بخواهم درباره آن می گیرم دستور خداوند هم برای عطای آن به تو نازل شده است از سوی دیگر مهریه مادرت خدیجه بر عهده پدرت مانده است و پدرت در قبال مهریه مادرت و به دستور خداوند فدک را به تو عطا می کند آن را برای خود و فرزندان بردار. (۱)

حضرت زهرا در سرزمین فدک نماینده ای قرار داد و کارمندان را تحت فرمانش سپرد، در آمد و فدک را سالیانه از هفتاد هزار سکه طلا تا صد و بیست هزار سکه نوشته اند. (۲)

هرساله حضرت به اندازه قوت خود مقداری سکه بر می داشت و بقیه را بین فقرا تقسیم می کرد و تا هنگام رحلت پیامبر این شیوه ادامه داشت. (۳)

چشمان بسیاری از نیازمندان منتظر سر رسیدن در آمد فدک بود تا از بخشش فاطمه زندگی خود را سامانی بخشند. ده روز پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ابوبکر به ماموران خود دستور غصب فدک را داد آنان به فدک رفتند و نماینده حضرت زهرا (سلام الله علیها) را از آنجا اخراج کردند و ملک آن را غصب کردند و در آمد حاصل از آن را برای مخارج حکومت غاصبانه خود صرف کردند و کوچکترین توجهی به امر خداوند درباره فدک و سندی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تنظیم کرده بود و شاهدانی که گواهی داده بودند نکردند.

دشمنان فاطمه (سلام الله علیها) غصب فدک را بسیار ساده به حساب آوردند و با اشاره ای نماینده حضرت را از آنجا اخراج کردند، از نظر آنها پس از غصب خلافت، غصب فدک کار ساده و کوچکی به نظر می آمد و هرگز تصور نمی کردند که حضرت زهرا (سلام الله علیها) و امیرالمومنین علی (علیه السلام) اینچنین در مقابل آن مقاومت کنند.

غصب سرزمین فدک از یک مسئله حقوقی تبدیل به یک مسئله اعتقادی شد که حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در آن شروع به بیدار کردن مردم کردند و بسیاری از آنچه را که در مسئله غصب خلافت باید می فرمودند در سایه غصب فدک بیان کردند.

۱- بحار الانوار ج ۲۱ ص ۲۳ ۲۵ ۲۹

۲- به نقل از بحار ج ۲۹ ص ۱۱۸

۳- به نقل از بحار ج ۲۹ ص ۱۲۳ ح ۲۵

۴- به نقل از شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید) ج ۱۶ ص ۲۶۳

پاسخ امیرالمومنین (علیه السلام) به ابوبکر و عمر در مورد فدک:

پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ابوبکر و عمر نزد امیرالمومنین (علیه السلام) آمدند و گفتند: درباره آنچه از پیامبر باقی مانده چه می گویی؟ فرمود: ما از همه مردم به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سزاوارتریم. عمر گفت: حتی نسبت به اموالی که در خیر است؟ حتی اموالی که در خیر است. عمر پرسید: حتی نسبت به اموالی که در فدک است؟ فرمود: حتی اموالی که در فدک است. عمر گفت: مگر به قیمت جدا کردن گردنهای ما با اره باشد، که هرگز چنین چیزی نخواهد شد!!! (۱)

ارائه سند فدک توسط حضرت زهرا (سلام الله علیها) :

غاصبین از همان ابتدا نقشه های شومی در سر داشتند و این از اولین برخوردها کاملاً مشخص بود به همین دلیل عمر به حضرت زهرا (سلام الله علیها) گفت: آن نوشته ای که می گفתי پدرت پیامبر در باره فدک برایت نوشته بیاور. (۲) پس از غصب فدک اولین اقدامی که حضرت زهرا (سلام الله علیها) انجام داد همین بود که سند فدک را آورد و به ابوبکر نشان داد و فرمود: این نوشته پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای من و فرزندانم است. هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سند فدک را به فاطمه (سلام الله علیها) بخشید این سند به دستخط

امیرالمومنین (علیه السلام) و به شهادت آنحضرت و ام ایمن تنظیم شده بود و متن آن با عنوان (اعطایی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دخترش فاطمه (سلام الله علیها) بود).

از آنجا که در تمام جهان ارائه سند و مدرک را برای روز اختلاف می نویسند جا داشت که وقتی حضرت سند فدک را ارائه داد مسئله فیصله پیدا می کرد و مشخص می شد که اصلاً مسئله ارث در کار نیست تا بخواهد نوبت به حدیث جعلی (النبی لا یورث) برسد، بلکه چیزی بود که پیامبر در زمان حیاتش به دخترش بخشیده بود اما غاصبین اعتنایی به این سند نکردند.

فدک ارث نیست:

حضرت زهرا (سلام الله علیها) به ابوبکر فرمود: چرا نماینده مرا از فدک بیرون کردی در حالیکه پیامبر فدک را به دستور خداوند برای من قرار داده بود آیا می خواهی زمینی را از من بگیری که مسلمانان در راه آن جنگ نکرده اند و پیامبر آن را به من بخشیده؟ آیا پیامبر نفرمود (فرزندان هرکس باید بعد از رحلت او مورد توجه باشند)؟

۱- به نقل از مجمع الزوائد: ج ۹ ص ۳۹

۲- به نقل از بحار الانوار: ج ۲۱ ص ۲۳

تو خوب میدانی که تنها یادگار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای فرزندانش همین است؟

ابوبکر گفت: عایشه و عمر شهادت می دهند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: (النبی لا یورث) یعنی پیامبر ارث نمی گذارد. حضرت زهرا فرمود: این اولین شهادت ناحقی است که به آن شهادت می دهند، فدک را پیامبر به من بخشیده و من در باره آن شاهد دارم. ابوبکر گفت: دلیل خود را بیاور، حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود: آیا زمانی که پیامبر زنده بود فدک تحت تصرف من نبود؟ آیا من محصول آن را مصرف نمی کردم؟ ابوبکر گفت: آری حضرت فرمود: پس چرا درباره چیزی که در دست من است از من شاهد می خواهی؟ ابوبکر گفت: چون غنیمت مسلمانان است اگر دلیل نیاوری امضا نخواهم کرد، حضرت در حالی که مردم هم صدای ایشان را می شنیدند فرمود: آیا می خواهید امر پیامبر را رد کنید و درباره ما حکمی صادر کنید که درباره دیگر مسلمانان نمی کنید؟ ای حاضرین گوش کنید که مرتکب چه عملی می شوند؟ ای ابوبکر و عمر، اگر من درباره اموال مسلمانان که تحت تصرفشان است ادعا کنم از من دلیل می خواهید یا از مسلمانان؟

عمر غضبناک گفت: این غنیمت مسلمانان است که در تصرف فاطمه است و محصول آن را مصرف می کند، اگر برای ادعای خود دلیل آورد که پیامبر فدک را فقط به او بخشیده - درحالیکه غنیمت و حق مسلمانان بوده!!- در این باره نظر خواهیم داد. حضرت فرمود: همین مرا بس است، ای مردم شما را قسم می دهم آیا شنیدید که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: (دخترم سیده زنان اهل بهشت است)؟ گفتند آری به خدا قسم از پیامبر شنیدیم، حضرت فرمود: آیا سیده زنان اهل بهشت ادعای باطل می کند؟ و چیزی را که مالک آن نیست تصرف می کند؟ چه می گوئید اگر چهار نفر بر علیه من به کار زشتی شهادت دهند یا دو نفر نسبت سرقت به من دهند؟ آیا سخنان آنان را تصدیق می کنید؟ ابوبکر سکوت کرد ولی عمر گفت: آری و حد بر تو جاری می کنیم!

حضرت فرمود: دروغ گفתי و پستی خود را ثابت کردی مگر آنکه اقرار کنی به دین محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) نیستی، کسی که بر علیه سیده زنان اهل بهشت شهادتی را بپذیرد یا حدی بر او جاری کند ملعون است و به آنچه خداوند بر محمد نازل کرده کافر شده است.

فدک بخشوده پیامبر به استناد قرآن:

سپس ابوبکر گفت: درباره فدک دلیل بیاور. حضرت فرمود: اما فدک، خداوند عزوجل آیه ای از قرآن نازل کرد که در آن به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دستور داده بود که حق من و فرزندانم را بدهد آنجا که می فرماید: «فَاتِذَا الْقَرَبِيُّ حَقَّهُ»^(۱) و من و فرزندانم نزدیکترین خلائق به پیامبر بودیم و آنحضرت فدک را به من بخشید.

عمر گفت: بنابراین خمس و غنیمت همگی برای شما و دوستان و شیعیان شما است؟ حضرت فرمود: خداوند فدک را برای من و فرزندانم قرار داده و برای دوستان و شیعیان ما قرار نداده است، ولی خمس را برای ما و دوستان و شیعیانمان قسمت نموده همانطور که در کتاب خداوند آورده است.

عمر گفت: پس برای مهاجرین و انصار و تابعین چه می ماند؟ حضرت فرمود اگر آنان هم از دوستان و شیعیان ما بودند زکات و صدقاتی که خداوند در قرآن واجب نموده و تقسیم آن را بیان فرموده به آنان تعلق می گیرد.

عمر گفت: فدک مخصوص تو باشد و غنیمت برای شما و دوستانتان؟ گمان نمی کنم اصحاب محمد به این راضی باشند!! حضرت فرمود: ولی خداوند عزوجل و پیامبرش بدان راضی هستند.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) در همان مجلس ماند و کسی را فرستاد تا امیرالمومنین و امام حسن و امام حسین (علیه السلام) و ام ایمن و اسماء بنت عمیس (که همسر ابوبکر) بود آمدند و به همه آنچه حضرت زهرا فرموده بود شهادت دادند. (۲)

جواب عمر درباره شاهدان:

عمر گفت: (علی همسر اوست، حسن و حسین هم پسران او هستند، ام ایمن هم خدمتکار اوست. اسماء بنت عمیس هم قبلاً همسر جعفر بن ابی طالب بوده و خدمتگذار فاطمه هم بوده و به نفع بنی هاشم شهادت خواهد داد همه این شاهدان برای منفعت خود شهادت می دهند). همچنین عمر درباره ام ایمن گفت که (او زنی غیر عرب است و با فصاحت نمی تواند شهادت بدهد)!!

دفاع امیر المومنین (علیه السلام) از شاهدان:

امیر المومنین (علیه السلام) فرمود: فاطمه (سلام الله علیها) پاره تن پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است و هر کس او را اذیت کند پیامبر را اذیت کرده و هر کس او را تکذیب کند پیامبر را تکذیب کرده است. حسن و حسین هم دو پسران پیامبر و دو آقای جوانان اهل بهشتند و هر کس آنان را تکذیب کند پیامبر را تکذیب کرده است، چرا که اهل بهشت راست گویند و من آن کسی هستم که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: (تو از منی و من از تو ام، و

۱- آیه ۲۶ سوره اسرا

۲- اسرار فدک ص ۳۴

تو در دنیا و آخرت برادر منی، هر که تو را رد کند مرا رد کرده، و هر کس تو را اطاعت کند مرا اطاعت کرده، و هر کس از تو سرپیچی کند از من سرپیچی کرده است.) و ام ایمن کسی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برای او به بهشت شهادت داده است و برای اسماء بنت عمیس و نسل او دعا کرده است.

عمر گفت: شما همانگونه هستید که توصیف نمودید ولی شهادت کسی که به نفع خود شهادت می دهد قبول نمی شود. (۱)

جواب نهایی امیرالمومنین (علیه السلام) درباره شاهدان:

امیر المومنین (علیه السلام) فرمود: اکنون که ما آنطور هستیم که خودتان می شناسید و منکر نیستید و در عین حال شهادت ما به نفع خودمان پذیرفته نیست و شهادت پیامبر هم قبول نیست پس انا لله و انا الیه راجعون! ما وقتی برای خود

ادعایی داریم از ما دلیل می خواهید؟ آیا کسی نیست ما را یاری کند؟ شما بر حکومت خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) حمله آورده اید و بدون هیچ دلیلی و حجتی آن را از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به خاندان دیگری برده اید بزودی ظالمان خواهند دانست که به کجا باز می گردند.

سپس امیر المومنین (علیه السلام) به حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود: بازگرد تا خداوند بین ما حکم کند و هم او بهترین حکم کنندگان است. حضرت زهرا (سلام الله علیها) به حالت غضب برخاست و فرمود: خدایا این دو به حق دختر پیامبر ظلم کردند خدایا به شدت اینان را مأخوذ فرما سپس حضرت زهرا محزون و گریان از نزد آنان بیرون آمد.

نصرت طلبی حضرت زهرا و اهل بیت (علیهم السلام) در سایه فدک:

امیر المومنین (علیه السلام) حضرت زهرا (سلام الله علیها) و امام حسن و امام حسین (علیه السلام) را تا چهل روز، هر روز سوار بر مرکبی می کرد و به در خانه مهاجرین و انصار می رفت حضرت زهرا (سلام الله علیها) به آنان می فرمود: «ای مهاجرین و انصار، خدا را و دختر پیامبرتان را یاری کنید. شما روزی که با پیامبر بیعت کردید، بر سر این بیعت کردید که از او و فرزندانش حمایت کنید و از آن ها منع کنید آنچه از خود و فرزندانتان منع می کنید بیاید و به بیعت خود نسبت به پیامبر وفا کنید» ولی هیچکس به حضرت جواب مثبت نداد. (۲)

۱- اسرار فدک ص ۳۶، ۳۷

۲- اسرار فدک ص ۳۹

بر خورد خاص حضرت زهرا (سلام الله علیها) با معاذ بن جبل: (۱)

حضرت به معاذ بن جبل یکی از بنیانگذاران سقیفه رسید و فرمود: ای معاذ بن جبل، من به عنوان کمک خواهی نزد تو آمده ام و تو با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بیعت کردی که او و فرزندانش را یاری کنی و آنچه از خود و فرزندانت دفع می کنی از آنان نیز دفع کنی. اکنون ابوبکر فدک را غصب کرده و نماینده مرا از آن اخراج نموده است.

معاذ گفت: دیگری هم با من هست؟ حضرت فرمود: نه هیچکس به من پاسخ مثبت نداد، معاذ گفت: کمک من به کجا می رسد؟! حضرت زهرا از نزد معاذ بیرون آمد و فرمود: (دیگر با تو سخن نمی گویم تا نزد پیامبر (صلی الله

علیه و آله وسلم) بروم، به خدا قسم کلمه ای با تو حرف نمی زنم تا من و تو نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) جمع شویم).

هنگامی که ابوبکر تصمیم نهایی خود را برای غصب فدک گرفت و نماینده حضرت را از آنجا اخراج کرد و این خبر به حضرت زهرا رسید، سر مبارک را پوشانیدند و پوشش کامل بر تن نمودند و با عده ای از زنان خدمتکار و بانوان خویشاوندانشان برای اعتراض به ابوبکر به راه افتادند هنگام راه رفتن، لباس حضرت به زمین کشیده می شد و پایین لباس به زیر پایشان می رفت و راه رفتشان چنان بود که گویا پیامبر راه می روند.

قسمتی از خطبه حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مسجد:

حضرت وارد مسجد شدند و پرده ای بین ایشان و مردم کشیده شد، حضرت صحبت خود را با حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر آغاز نمودند مردم با شنیدن کلام حضرت شروع به گریه کردند.

سپس حضرت فرمود: ای مردم بدانید من فاطمه ام و پدرم محمد که فرستاده پروردگارتان و خاتم پیامبران است کلام اول و آخر من این است، و در این مطلب اشتباه نمی کنم و آنچه که انجام می دهم گزاف نیست و سخن به دروغ نمی گویم پس با گوشهای شنوا و قلب های آگاه سخن مرا گوش دهید.

هنگامی که خداوند جایگاه انبیا و منزلگاه برگزیدگان را برای او اختیار نمود و آنچه به او وعده داده بود به اتمام رساند، کینه و دشمنی ناشی از نفاق شما ظاهر گردید و پوشش دین کهنه شد و جامه اش مندرس و استخوانش ضعیف گردید، و آن قدرت ضعیف از بین رفت. خشم فرو خورده گمراهان به تکلم در آمد و گمنام ذلیلان ظاهر شد و

۱- اسرار فدک ص ۳۹

شخص مورد قبول اهل باطل صدا در آورد و در عرصه شما قدرت نمایی کرد، شیطان از کمینگاه خود سر بر آورد و شما را به سوی خود خواند و شمارا دعوت نمود و دید که دعوت او را اجابت می نمایید و آماده فریب خوردن از او هستید و چون شما را به قیام بر علیه حق خواند قیام و سرعت قبول شما را یافت و چون شما را بر ضد حق به غصب و خشم در آورد شما را غضبناک دید، پس شتر دیگران را برای خود علامت گذاری نمودید و آن را به آبی که از آن شما نبود حاضر کردید.

تمام این قضایا در حالی بود که فاصله زیادی نشده و زخم هنوز وسیع بود و جراحات هنوز التیام نیافته و پیامبر هنوز دفن نگردیده بود! (با نیرنگ و دروغ بر مردم جلوه دادید که حضورتان در سقیفه برای دفع فتنه بوده است). به

گمان ترس از بروز فتنه به سرعت اقدام کردید ولی بدانید که در فتنه سقوط کردید و جهنم کافران را از هر سو در بر می گیرد. این کارها از شما بعید بود و چگونه چنین کاری کردید و به کجا باز می گردید با اینکه کتاب خدا در بین شماست؟ کتابی که آموزش ظاهر و احکامش نورانی و علامتهایش واضح و نواهیست تبیین شده و اوامرش روشن است به چنین کتاب خدایی پشت نمودید. (۱)

خطاب حضرت به رافع و یادآوری غدیر: (۲)

آنگاه حضرت (برخاست) و به راه افتاد. رافع بن رفاعه به دنبال حضرت آمد و گفت: ای برترین بانوان، اگر ابوالحسن در رابطه با این مسئله قبل از این بیعتی که با ابوبکر شد صحبتی می کرد و این مطلب را به مردم تذکر می داد ما شخص دیگری را به جای او نمی پذیرفتیم، حضرت غضبناک به او فرمود: از من دور شو، خداوند بعد از واقعه غدیر خم برای احدی دلیل و عذری باقی نگذارده است.

ده روز پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ابوبکر به ماموران خود دستور غصب فدک را داد آنان به فدک رفتند و نماینده حضرت زهرا (سلام الله علیها) را از آنجا اخراج کردند و ملک آن را غصب کردند و در آمد حاصل از آن را برای مخارج حکومت غاصبانه خود صرف کردند و کوچکترین توجهی به امر خداوند درباره فدک و سندی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تنظیم کرده بود و شاهدانی که گواهی داده بودند نکردند.

۱- اسرار فدک ص ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۱

۲- اسرار فدک ص ۲۶۱

عیادت زنان مهاجر و انصار: (۱)

هنگامی که حضرت زهرا (سلام الله علیها) به خانه بازگشت و در بستر بیماری قرار گرفت (که منجر به شهادت ایشان شد) زنان مهاجر و انصار به عیادت حضرت آمدند گفتند: ای دختر پیامبر، حالتان چگونه است؟ حضرت حمد الهی به جا آورد و بر پدر بزرگوارش درود فرستاد و سپس فرمود: صبح کردم در حالیکه به خدا سوگند از دنیای شما متنفرم و آن را رها کرده ام و نسبت به مردان شما غضبناکم، با امتحان اول آنان را به دور افکندم و با آزمایش عمق ایمانشان آنان را مورد غضب و ملامت قرار دادم.

پس ننگ بر کند شدن شمشیر و بی استقامتی نیزه و اضطراب فکر و تزلزل روح جدیت و ترس از فتنه و جنگ و چه بد است آنچه برای آینده خود مهیا کرده اند که خداوند بر آنان غضب کرده و دائما در عذاب خواهند بود بنابراین چاره جز این نبود که قلاده آن را بر گردنشان افکنند و سنگینی آن را بر دوششان قرار دادم و ننگ آن را بر سرشان افکنم، پس خیر از ظالمین دور باد و به بلاد چار شوند و از آثار نیک محروم باشند و از رحمت خدا دور گردند. وای بر آنان خلافت را از کوههای بلند رسالت و پایه های نبوت و محل نزول روح الامین با وحی مبین و از عالمان آگاه و حاذق در امر دنیا و دین به کجا کشاندند بدانید که این زیان آشکار است، از ابوالحسن (علی علیه السلام) چه چیزی را نمی پسندیدند؟ به خدا قسم ناراضی بودند از صلابت شمشیرش و بی پروائی او از مرگش و شدت حمله هایش و برخوردهای عبرت آموز او در جنگ و از تبحر او در کتاب خداوند و غضب او در امر الهی. اگر خلافت را به او می سپردند برکات آسمان و زمین بر آنان گشوده می شد ولی آنان از حق روی گردانیدند پس به زودی خداوند آنان را به آنچه برای خود کسب کرده اند مواخذه می نماید و کسانی که ظلم نمودند بزودی سزای آنچه کسب کرده اند به آنان می رسد و نمی توانند مانع چنین عاقبتی شوند.

سويد بن غفيله مي گوید: زنان عيادت کننده فرمايشات حضرت زهرا (سلام الله عليها) را براي مردان خود بازگو کردند پيرو آن عده اي از بزرگان مهاجرين و انصار براي عذر خواهي نزد حضرت زهرا آمدند و گفتند: اي سيده النساء اگر ابوالحسن اين مسئله را قبل از آنکه پيماني ببنديم و عقدي را محکم کنيم به ما ياد آور مي شد، ما او را رها نکرده و سراغ ديگري نمي رفتيم، حضرت زهرا فرمود: از من دور شويد (بس کنيد) که با بهانه هاي بيهوده تان عذر شما پذيرفته نيست و با کوتاهي هاي شما جاي هيچ سخني باقي نمانده است.

۱ - اسرار فدک ص ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳

قضاوت در مسئله فدک مشکل نیست: (۱)

از آنجا که امیرالمومنین و حضرت فاطمه از یک سو در مقام عصمت کبری و از سوئی مظهر زهد و تقوا و بی رغبتی به دنیایند و از سوی دیگر محبوب قلوب عالم اند و از جهتی دیگر عزیز خدا و رسول اند و از آنجا که ابوبکر و عمر و دار و دسته غاصبین جز سابقه شرک و بت پرستی چیزی ندارند و بسیار دنیا پرست اند و همه از برخورد آنان با اهل بیت (علیهم السلام) آگاهی دارند بنابراین با در نظر گرفتن این دو جبهه قضاوت درباره ماجرای فدک کار مشکلی نیست کافی است که هر کس مبانی اعتقادی خود را مد نظر آورد و نتیجه گیری کند.

نتیجه گیری :

با بررسی سیره حضرت زهرا (سلام الله علیها) در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به این نتیجه رسیدیم که ایشان در زندگی اجتماعی و در برخورد با مردم بسیار صبور بوده اند به طوری که هرگاه فردی پرسشی داشته و به ایشان مراجعه می کرده با سعه صدر و بردباری پاسخ می دادند و مانند معلمی مهربان خستگی ناپذیر بودند ایشان سعی می کردند زنان را از شرایط جامعه آگاه کنند و آنان را به فراگیری علم تشویق می کردند ، ایشان در جنگ ها به همراه زنان دیگر به پرستاری از مجروحین می پرداختند . در زندگی خانوادگی نیز بسیار قانع و صبور بوده اند و تمام

کمبود های زندگی را با جان و دل تحمل می کردند و درعین فقر دست از انفاق بر نمی داشتند ، ایشان بسیار همراه و همدل همسر بزرگوار خویش بودند و هیچگاه از ایشان چیزی طلب نمی کردند که از عهده ایشان خارج باشد ،الحق و الانصاف که ایشان بهترین الگوی زنان است.

ایشان پس از رحلت پیامبر نیز دست از تلاش برنداشتند و در قضیه فدک تماش تلاش خود را کردند که آن را از دست غاصبین خارج کنند و در سایه آن به دفاع از امیرالمومنین (علیه السلام) پرداختند و به هیچ عنوان سکوت نکردند از این جریان نیز می توان نتیجه گرفت که در عصر کنونی نیز زن ها با پیروی از حضرت زهرا می توانند در مسائل سیاسی و اجتماعی به روشنگری بپردازند و در دفاع از حق سکوت نکنند .

زیرا سیره حضرت زهرا (سلام الله علیها) بگونه ای است که وظایف زنان را به خوبی مشخص میکند که وظیفه زن تنها خانه داری و تربیت فرزند نیست بلکه لازم است هرازگاهی وارد اجتماع شوند و در مسائل سیاسی مشارکت داشته باشند.

فهرست منابع:

۱ - قرآن کریم

۲ - امینی ، ابراهیم ، (۱۳۸۶) ، فاطمه (سلام الله علیها) بانوی نمونه اسلام ، چاپ بیست و سوم ، انتشارات شفق

۳ - انصاری ، محمد باقر ؛ رجایی ، سید حسین ، (۱۳۸۷) ، اسرار فدک ، چاپ سوم ، قم : مرکز الهادی

۴ - اسحاقی ، سید حسین ، (۱۳۹۴) ، سبک زندگی فاطمی ، ج ۱ و ۲ ، قم : مرکز نشر هاجر

- ۵- حسینی میلانی، سید فاضل، (۱۳۹۲)، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) مام پدر، مترجم منیره زیبایی، مشهد: چاپ
موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
- ۶- خاتمی، سید احمد، (۱۳۹۳)، سیره فاطمی (سلام الله علیها)، تهران، انتشارات مسیا
- ۷- دستغیب، سید عبدالحسین، صدیقه کبری فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، (بی جا)، (بی تا)
- ۸- طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، مکارم اخلاق، مترجم: راشدی، لطیف، نوبت چاپ چهارم، (بی جا)، (بی
تا)، انتشارات موسسه صبح پیروزی
- ۹- علم الهدی، سید احمد (۱۳۷۵)، زهرا (سلام الله علیها) مولود وحی، چاپ پنجم، تهران: موسسه انتشارات امیر
کبیر
- ۱۰- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، چاپ بیروت، ناشر: دار احیاء التراث العربی
- ۱۱- زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، (ترجمه جلد ۴۳ بحار) مترجم روحانی علی آبادی، محمد، بی جا،
انتشارات مهام
- ۱۲- موسوی (باروق)، سید علی، (۱۳۸۷)، مجالس فاطمیه، چاپ اول، قم: ناشر صالحان
- ۱۳- موسوی مفرم، سید عبدالرزاق، (۱۳۷۲)، صدیقه شهیده زهرا (سلام الله علیها)، قم دفتر انتشارات اسلامی